

شاخص - دفتر پنجم

انتهای افق

بررسی آرمان‌ها و ابزارهای انقلاب اسلامی
در عرصه بین‌الملل

انتشارات
جمهوری اسلامی ایران
مؤسسه عالی پژوهش

تهیه شده در بسیج دانشجویی
دانشگاه صنعتی شریف

اوتهای افق

بررسی آرمان‌ها و ابزارهای انقلاب اسلامی
در عرصه بین‌الملل

فهرست

۳	مقدمه
۳	اصول و مبانی سیاست خارجی
۳	حفظ استقلال
۴	عدم پذیرش سلطه
۴	حمایت از مستضعفین و مظلومان
۴	مثلث عزت، حکمت، مصلحت
۵	نظم نوین جهانی
۵	ترسیم نظم نوین جهانی و نظام سلطه
۶	مقاوت؛ راهبرد اصلی انقلاب اسلامی
۶	تغییر مسیر تاریخ در اثر مقاومت ملت ایران
۷	حرف نوی جمهوری اسلامی
۷	راهکارهای دیپلماسی انقلابی
۷	پافشاری بر ارزش ها
۷	مرعوب نشدن در مقابل قدرتمندان
۸	ابتکار عمل و طراحی زمین بازی
۸	تعامل و تغییر نهادهای بین المللی
۱۰	بررسی تطبیقی خط سازش و مقاومت
۱۰	دوران دفاع مقدس
۱۱	واقعه میکونوس
۱۲	پرونده هسته ای
۱۲	مرور تاریخی

۱۴	بیانیه سعدآباد
۱۶	نظر رهبری درباره عملکرد اصلاحات در موضوع هسته ای
۱۸	جمع بندی عملکرد دولت اصلاحات
۱۹	کارنامه عملکرد دولت نهم در موضوع هسته ای
۲۱	جمع بندی
۲۲	دولت دهم و بیانیه ی تهران

مقدمه

با مطالعه بیانات بنیانگذار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و پس از ایشان، رهبر فرزانه انقلاب در عرصه سیاست خارجی و تعاملات بین‌المللی، چنین برداشت می‌شود که اوضاع و احوال جهان در حال تغییر و تحول است. در این منظومه علاوه بر تبیین مبانی و مفاهیم اساسی که برگرفته از چشمه زلال اندیشه اسلام ناب شیعی است، نظام سلطه‌ی حاکم بر جهان تشریح و توصیف شده و ضمن نفی این «نظم نوین جهانی»، ناظر به همان مبانی، آنچه که باید باشد تعیین می‌شود. با تاملی بیشتر در بیانات و سخنرانی‌ها، مشخص می‌شود که در این منظومه نه تنها به نفی سلطه موجود و اثبات نظام ایده آل جهانی متناسب با مبانی اسلامی پرداخته می‌شود، بلکه راهبردها و روشهای رسیدن به اوضاع مطلوب جهانی و جایگاه خواص و مردم تعیین شده است.

در این مرقومه تلاش شده که با بازخوانی بیانات مقام معظم رهبری و فرمایشات رهبر کبیر انقلاب، ابتدا اصول و مبانی سیاست خارجی انقلاب اسلامی تبیین شود و در ادامه با توصیف نظام حاکم فعلی اداره جهان، دلایل عدم سازگاری نظام جمهوری اسلامی با ماهیت استکبار جهانی مطرح شده و راهکارهای رسیدن به هندسه جدید بیان گردد. در خاتمه این جزوه نیز نسبت جریان‌ها و دولت‌های گذشته در مقایسه با گفتمان‌های انقلاب مورد بررسی قرار گرفته و در راستای این هدف، مروری تحلیلی-تاریخی بر مواردی از مصادیق سازش و مقاومت در سیاست خارجی پس از انقلاب خواهیم داشت.

پس از آن در جزوه‌ای جداگانه به بررسی مساله مذاکره با آمریکا بعنوان یکی دیگر از مصادیق رفتار و عملکرد مسئولین و مردم که پرداختن یا نپرداختن به آن نقش موثری در شکل‌گیری هندسه جدید جهانی دارد می‌پردازیم. موضع و عملکرد نخبگان و فعالان سیاسی در رابطه با مساله مذاکره با آمریکا نیز بعنوان یکی از ملاک‌های سرنوشت‌ساز در انتخابات آتی ریاست جمهوری در بوته نقد قرار می‌گیرد.

اصول و مبانی سیاست خارجی

حفظ استقلال

این اصل در کلام امام خامنه‌ای بعنوان ستون و پایه سیاست خارجی مطرح شده و در تبیین آن می‌فرماید:

«استقلال یعنی این که ملت و دولت ایران دیگر مجبور نیستند تحمیل قدرت‌های بیگانه را قبول کنند... انقلاب آمد ملت و کشور و دولت را مستقل کرد. امروز هیچ قدرتی در دنیا نمی‌تواند در مسائل کشور ما اعمال نفوذ و ما را مجبور به کاری کند.»^۱

«اصل سیاسی و زیربنای «نه شرقی، نه غربی» ما هم به هر حال محفوظ است. بر

اساس این اصل، سیاست ما تابع هیچ رکنی - نه شرق و نه غرب - نخواهد شد و این جزو اصول و مبانی ماست و هیچ شکی هم در این نیست و تغییر پذیر نیست. این، اصلاً سیاست نیست؛ بلکه مبنا و پایه ی نظام است.»^۲

اهمیت حفظ استقلال تا جایی است که امام خمینی(ره) فرموده اند:

« ما می خواهیم زندگی فقیرانه داشته باشیم، ولی آزاد و مستقل باشیم. ما این پیشرفت و تمدنی که دستان پیش اجانب دراز باشد را نمی خواهیم. ما تمدنی را می خواهیم که بر پایه ی شرافت و انسانیت استوار باشد و بر این پایه، صلح را حفظ نماید. ابرقدرت ها می خواهند انسانیت انسان ها را تحت سلطه قرار دهند و ما و شما و هر مسلمانی مکلف است در مقابل آن ها بایستد و سازش نکند.»^۳

عدم پذیرش سلطه

مبنای این اصل در کلام امام، قاعده نفی سبیل در اسلام است:

« ما منطقمان، منطبق اسلام، این است که سلطه نباید از غیر بر شما باشد. نباید شما تحت سلطه غیر بروید. ما هم می خواهیم نرویم زیر سلطه.»^۴

حمایت از مستضعفین و مظلومان

« ملت آزاده ایران هم اکنون از ملت های مستضعف جهان در مقابل آنان که منطقتشان توپ و تانک و شعارشان سر نیزه است کاملاً پشتیبانی می نماید. ما از تمام نهضت های آزادی بخش در سراسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می کنند، پشتیبانی می کنیم.»^۵

اهمیت قد علم کردن مقابل مستکبرین و دفاع از مستضعفین به قدری است که حتی امام خامنه ای علناً پشتیبانی از مظلومان و دخالت در منازعات ناعادلانه را اعلام می کند:

«ما با اسرائیل در قضایای ضدیت با اسرائیل دخالت کردیم؛ نتیجه اش پیروزی جنگ سی و سه روزه و پیروزی جنگ بیست و دو روزه بود. بعد از این هم هر جا هر ملتی، هر گروهی با رژیم صهیونیستی مبارزه کند، مقابله کند، ما پشت سرش هستیم و کمکش میکنیم و هیچ ابائی هم از گفتن این حرف نداریم. این حقیقت واقعیت است.»^۶

مثلث عزت، حکمت، مصلحت

«عزت و حکمت و مصلحت، یک مثلث الزامی برای چار چوب ارتباطات بین المللی ماست. عزت:

۲ بیانات در دیدار وزیر و کارکنان وزارت امور خارجه - ۱۳۶۸/۵/۳۱

۳ صحیفه ی امام، ج ۱۵، ص ۳۴۰

۴ صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۳۹

۵ صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۲۵۹

۶ خطبه های نماز جمعه تهران - ۱۳۹۱/۱۱/۱۴

«الاسلام یعلو و لایعلیٰ علیه»^۷، «لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سیلا»^۸ ما نمی خواهیم عزت‌مان را با تکیه بر نژاد و ناسیونالیسم و حرف‌هایی که متاسفانه همه دنیا با تکیه به آنها دور خودشان یک حصار می کشند ثابت کنیم.^۹

«معنای عزت این است که جامعه و نظام اسلامی، در هیچ یک از برخوردهای بین‌المللی خود، نباید طوری حرکت کند که منتهی به ذلیل شدن اسلام و مسلمین شود.»^{۱۰}

«حکمت یعنی حکیمانه و سنجیده کار کردن. هیچ گونه نسنجیدگی را نباید در اظهارات دیپلماتیک و هر آنچه که مربوط به سیاست خارجی و ارتباطات جهانی است راه داد. همه چیز باید سنجیده باشد.»^{۱۱}

«و اما مصلحت؛ مراد مصلحت شخص من و شما نیست که اگر ما این اقدام را کردیم، ممکن است برایمان گران تمام بشود، نه، گران هم تمام بشود! مگر ما که هستیم؟ اگر کاری به مصلحت کشور و به مصلحت انقلاب است، ولی به مصلحت شخص من نیست، چه اهمیتی دارد؟ مصلحت یعنی مصلحت انقلاب و این مصلحت همه جانبه است؛ یعنی از رفتار شخصی ما - بخصوص شما - شروع می شود.»^{۱۲}

نظم نوین جهانی

ترسیم نظم نوین جهانی و نظام سلطه

«از بعد از دوران شروع استعمار، دنیا به دو بخش تقسیم شد: یک بخش سلطه‌گر، یک بخش سلطه‌پذیر؛ دولتها و قدرتهایی با تکیه به دانش، با تکیه به سلاح، با تکیه به فریب‌گری، توانستند کشورهای دیگری را زیر سلطه بگیرند؛ آنها شدند سلطه‌گر، این ملتها و این کشورها - خواه و ناخواه - شدند سلطه‌پذیر. دنیا عادت کرد به تقسیم میان سلطه‌گر و سلطه‌پذیر.»^{۱۳} اما انقلاب اسلامی ایران با در پیش گرفتن سیاست «نه شرقی، نه غربی» این خط‌کشی‌ها را از بین برده و اعلام کرد که به هیچ یک از بلوک غرب و اردوگاه کمونیستی شرق متکی نیست. پس از فروپاشی شوروی سابق و زوال بلوک شرق، آمریکا با پشتوانه تئوریک نظریات «موج سوم» از «آلویین تافلر» و «پایان تاریخ» از «فرانسیس فوکویاما» و همچنین باور گزاره‌ی «آمریکا ناگزیر است رهبری جهان نو را به دست بگیرد» در نتیجه «برخورد تمدن‌ها» از جانب «ساموئل هانتینگتون»، این کشور بر اساس نظریه «نظم نوین جهانی» خود را سامان‌دهنده روابط بین

۷ بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۴۷

۸ سوره نساء، آیه ۱۴۱

۹ بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه - ۱۳۷۰/۴/۱۸

۱۰ بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام - ۱۳۶۸/۱۱/۹

۱۱ بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه - ۱۳۷۰/۴/۱۸

۱۲ بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه - ۱۳۷۰/۴/۱۸

۱۳ بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی - ۱۳۸۷/۱/۱

الملل در جهان مطرح ساخت. «نظم نوین جهانی یعنی چه؟ یعنی نظام دو قطبی عالم تمام شد، درگیریهای شرق و غرب تمام شد؛ بله، تمام شد؛ اما آیا نتیجه‌ی تمام‌شدن درگیری شرق و غرب باید قدرت مطلقه و روزافزون امریکا بر ملتهای ضعیف باشد؟! یعنی دیگر اسلام خواهان و آزادی خواهان در هیچ نقطه‌ی دنیا حق نداشته باشند نفس بکشند؟!»^{۱۴}

طبیعتاً نظام مقدس جمهوری اسلامی با اصول و مبانی مطرح شده در قسمت های قبلی، چون «استقلال»، «عدم پذیرش سلطه»، «عزت» و ... همچنان با این ساز و کار خبیثانه نیز کنار نیامده و حل شدن در معادلات رایج جهانی را به معنای از بین رفتن هویت و مانع از رسیدن به اهداف متعالی انقلاب می‌داند. «بخشی از قواعد و ارزشهای بین المللی کنونی در دنیا تحمیل شده و نتیجه سلطه برخی قدرتهاست و قبول این قواعد به بهای دست کشیدن از هویت ملی و اصول ارزش های نظام اسلامی افتخار نیست و ما نمی‌توانیم برای رضایت بخشی از دنیا که تجسم آن در غرب و در راس آن دولت متکبر امریکا است، از اصول خود عقب نشینی نمائیم.»^{۱۵}

مقاومت؛ راهبرد اصلی انقلاب اسلامی

در منظومه گفتمانی انقلاب اسلامی آنچه‌ان که از تاکیدات رهبر فرزانه انقلاب نفی نظام سلطه برداشت می‌شود، مقاومت بعنوان راهبرد ایجابی برای رسیدن به اهداف انقلاب تبیین می‌گردد.

«ما با نظام ارباب - رعیتی در سطح جهان مخالفیم؛ ما با نظام سلطه مخالفیم. اساس سیاست خارجی ما این است که ما این ایده‌ی مخالفت با سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را، به عنوان یک ستون مستحکم، در فضای سیاست بین المللی در سطح دولتها و ملتها استقرار دهیم»^{۱۶}

«اگر شما ملت عزیز ما، شما جوانهای خوش‌روحیه و پرتوان و عازم، در این راهی که دارید می‌روید، ایستادگی کنید، شک نکنید که در زمان خود، در زمان متناسب، تمام آمل و آرزوها و داعیه‌ها و شعارهای ملت ایران نه فقط نسبت به خود این کشور، بلکه نسبت به دنیای اسلام و امت اسلامی و جامعه‌ی بشری تحقق پیدا خواهد کرد. هر کاری دوره‌ای دارد، زمانی دارد؛ در زمان متناسب خود، این آرزوها تحقق پیدا خواهد کرد. ملت ایران به آن نقطه‌ای که مورد نظر اوست، به دنبال آن حرکت کرده است، اهتمام ورزیده است، خواهد رسید؛ راهش مقاومت کردن است.»^{۱۷}

تغییر مسیر تاریخ در اثر مقاومت ملت ایران

پس مطابق آنچه که گفته شد، راهی جز مقاومت برای ملت و دولت جمهوری اسلامی وجود

۱۴ بیانات در خطبه‌های نماز جمعه - ۱۳۷۰/۷/۵

۱۵ بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه - ۱۳۸۲/۵/۲۷

۱۶ بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه - ۱۳۸۳/۵/۲۵

۱۷ بیانات در دیدار مردم قم - ۱۳۹۱/۱۰/۱۹

ندارد. و اگر مقاومت اتفاق بیافتد، «مسیر تاریخ دنیا تغییر پیدا خواهد کرد؛ مسیر تاریخ عوض خواهد شد. امروز مسیر تاریخ، مسیر ظلم است؛ مسیر سلطه‌گری و سلطه‌پذیری است؛ یک عده در دنیا سلطه‌گرند، یک عده در دنیا سلطه‌پذیرند. اگر حرف شما ملت ایران پیش رفت، اگر شما توانستید پیروز شوید، به آن نقطه‌ی موعود برسید، آن وقت مسیر تاریخ عوض خواهد شد؛ زمینه‌ی ظهور ولی‌امر و ولی‌عصر (ارواحنا له الفداء) آماده خواهد شد؛ دنیا وارد یک مرحله‌ی جدیدی خواهد شد. این بسته به عزم امروز من و شماست، این بسته به معرفت امروز من و شماست.»^{۱۸}

حرف نو جمهوری اسلامی

و نهایتاً اگر دیپلماسی بر اساس مقاومت استوار گردد، حرف نو جمهوری اسلامی استقرار خواهد یافت؛ «این حرف نو عبارت است از مردم و ارزشهای الهی. این دو تا باید با هم توأم بشوند و حرکتها و جوامع را شکل بدهند. این حرف ماست. ارزشهای معنوی و ارزشهای الهی، همراه با اراده‌ی مردم؛ نه تحمیل بر مردم. این حرف جدید جمهوری اسلامی است، که از خود کلمه‌ی «جمهوری اسلامی» هم برمی‌آید. ما، هم جمهوری هستیم، هم اسلامی هستیم. این را بایستی تبیین کرد...»^{۱۹}

راهکارهای دیپلماسی انقلابی

در ادامه به بیان برخی روش‌ها و پیشنهادها (چه در لایه‌ی گفتمانی و چه در سطح عملیات و اجرا) به متولیان عرصه دیپلماسی از بیانات معظم له می‌پردازیم:

پافشاری بر ارزش‌ها

«اینکه ما تصور کنیم اگر ارزشهای معنوی را ملاک قرار دادیم، کار دیپلماسی به بن‌بست خواهد خورد، غلط است؛ به بن‌بست نمیخورد. میتوان با حفظ همین ارزشها، با پای‌فشاری بر همین ارزشها، در عرصه‌ی دیپلماسی وارد شد، فعال شد، تلاش کرد، منطق را حاکم کرد و طرفها را رفته رفته و بتدریج به مواضع خود نزدیک کرد.»^{۲۰}

مرعوب نشدن در مقابل قدرتمندان

«یک دوره‌ای بعضی از مسئولین خیال میکردند که اگر چنانچه در ملاقاتهای بین‌المللی خودشان حرفهای آنها را برایشان تکرار کنند، خوب است. و همین کار را هم میکردند؛ می‌نشستند همان حرفهایی را که آنها صد سال است دارند می‌زنند، برای آنها دوباره تکرار میکردند. این، شما را پیش او سبک میکند؛ این نشان میدهد که شما از خودتان هیچ چیزی

۱۸ بیانات در دیدار مردم قم - ۱۳۹۱/۱۰/۱۹

۱۹ بیانات در دیدار سفرا و رؤسای نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج کشور - ۱۳۹۰/۱۰/۷

۲۰ بیانات در دیدار سفرا و رؤسای نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج کشور - ۱۳۹۰/۱۰/۷

ندارید؛ در حالی که وقتی شما خودتان حرف دارید، خودتان مینا دارید، بر روی مبنای خودتان می‌ایستید، بر روی تحلیل خودتان از حوادث و ترسیم آینده می‌ایستید، و بعد با قدرت حوادث را مدیریت میکنید، این شما را در چشم طرف مقابلتان تقویت میکند؛ و تقویت در چشم طرف مقابل، یکی از ابزارها و راه‌های پیروزی است.^{۲۱}

ابتکار عمل و طراحی زمین بازی

در کلام امام خامنه‌ای (مدظله) طراحی زمین بازی و فعالانه وارد عرصه سیاست خارجی شدن، راهکاری است که امام راحل‌مان پیش روی ما قرار داده اند:

«این ملت اگر امروز بخواهد در مقابل قدرتهای استکباری شکل گرفته - که به هیچ چیزی کمتر از بلعیدن ملتها قانع نیستند - بایستد و هویت و استقلال خود را حفظ کند و بتواند با رأی و نظر خود، راه زندگی‌اش را انتخاب کند، هیچ راهی ندارد جز این که به خط امام و راه امام متمسک شود؛ هم تفکرات او را در مجرای زندگی و عمل و فکر قرار دهد و هم شیوهی او را. شیوهی او، تسلیم شدن به فرم و الگوی بیگانه نبود. این‌طور نبود که میدان بازی را دشمن معین و ترسیم کند و چون هر بازیکنی یک‌طور بازی می‌کند، امام هم در آن میدان مشغول کار شود؛ نخیر، میدان را خودش انتخاب و ترسیم می‌کرد؛ لذا دشمن را غافلگیر می‌کرد. امام ساز و کار استکباری امروز دنیا را به هم زد. علت این که کسانی از آن طرف دنیا بلند شدند به این‌جا آمدند و با این‌که نه اختلاف ارضی با ما داشتند، نه اختلاف در منافع روزمره‌ی دولتی با ما داشتند، با امام دشمنی کردند - چه در زمان حیاتش، چه بعد از آن - این است که امام به قلب هدف زده بود»^{۲۲}

و ضرورت ابتکار عمل از آنجایی است که موجب قرار گرفتن در موضع فعال و مسلط به اوضاع می‌شود:

«ابتکار عمل در مسأله ارتباطات خارجی، بسیار مهم است. این که کشوری با دیپلماسی منفعل منتظر باشد دیگران چه می‌گویند و چه می‌کنند و بر اساس آن و به مقتضای ضرورت و موقعیت تصمیم بگیرد، بدترین شکل دیپلماسی است؛ باید از این به شدت پرهیز کنیم مراقب باشیم این‌طور پیش نیاید.»^{۲۳}

تعامل و تغییر نهادهای بین‌المللی

با تاملی در بیانات رهبر انقلاب این نکته به دست می‌آید که اولاً ساختارهای فعلی بین‌المللی - و در راس آنها سازمان ملل متحد و مجموعه‌های تبعی آن - دارای ساز و کاری ناعادلانه

۲۱ بیانات در دیدار سفرا و رؤسای نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج کشور - ۱۳۹۰/۱۰/۷
۲۲ بیانات در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) - ۸۴/۳/۱۰
۲۳ بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه - ۱۳۸۲/۵/۲۷

بوده (کما اینکه در هر سه ابلاغیه سیاست کلی برنامه های پنج ساله توسعه سوم، چهارم و پنجم در سالهای ۷۸، ۸۲ و ۸۷ به روسای قوه مجریه وقت، بند « تلاش برای اصلاح ساختار سازمان ملل» وجود دارد)، ثانیاً علی رغم وضع موجود باید با سیاست تهاجمی از ظرفیت‌ها نهایت استفاده به نفع نظام را کرد و ثالثاً به دنبال مجموعه سازی بود:

«شورای امنیت سازمان ملل دارای ساختار و سازوکاری غیرمنطقی، ناعادلانه و کاملاً غیر دموکراتیک است؛ این یک دیکتاتورِ آشکار و یک وضعیت کهنه و منسوخ و تاریخ مصرف گذشته است.»^{۲۴}

« ما باید در ارتباطات دوجانبه، ارتباطات منطقه ای و در مجامع جهانی حضور فعال داشته باشیم و نباید هیچ مجمع جهانی را که در آن عضو هستیم، دست کم بگیریم. این که ما مایوس بشویم و بگوییم فایده ای ندارد، گوش نمی کنند؛ غلط است. همه چیز فایده دارد؛ همه ی تلاشها فایده دارد. یک ارزن را هم که شما حساب کنید، وزنی دارد که این وزن در نقطه ای تعیین کننده است. باید تلاش کنیم تا مؤلفه های قدرت خودمان را بشناسیم و در بسیاری از مسائل جهانی، موضع اساسی جمهوری اسلامی را به عنوان یک موضع تهاجمی اتخاذ کنیم.»^{۲۵}

« یکی از کارهای اساسی برای ما مجموعه سازی است. کار سختی هم هست؛ لیکن بسیار کار موفقی است. ایجاد مجموعه های متناسب به بهانه های گوناگون؛ از قبیل اکو - که یک مجموعه اقتصادی است - و از این قبیل چند تایی دیگر هم به وجود آمده بود.

ما دو گونه مجموعه سازی می توانیم بکنیم؛ یکی در بخش کشورهای اسلامی؛ به بهانه های مختلف: فرضاً کشورهای فارسی زبان، کشورهای منطقه ی میانه، کشورهای حوزه ی خزر؛ یکی هم با کشورهای برجسته ی آسیا که نقش آفرینند؛ مثل چین، مثل روسیه؛ مثل هند و مثل خود ما که ما نقش آفرینیم. هیچ کشور دیگری این نقش آفرینی را ندارد؛ حتی اندونزی و مالزی که کشورهای پیشرفته ی اقتصادی هستند. این نقش آفرینی مال این کشورهاست. ما می توانیم تلاش کنیم؛ مجموعه سازی بایستی صورت بگیرد.»^{۲۶}

۲۴ بیانات در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد ۹۱/۶/۹

۲۵ بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه - ۱۳۸۳/۵/۲۵

۲۶ بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه و سفرای جمهوری اسلامی - ۱۳۷۹/۵/۲۵

بررسی تطبیقی خط سازش و مقاومت

دوگانه «سازش - مقاومت» مساله ای است که از ابتدای ظهور اسلام تا به امروز افراد زیادی درگیر آن بوده اند و عمر ۳۴ ساله انقلاب اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نمی باشد. جمهوری اسلامی همواره از ابتدا تا کنون مخالف جدی خط سازش در برابر قدرت‌های زورگو بوده است. شاید نخستین ایستادگی جدی در مقابل خط سازش در طول عمر ۳۴ ساله انقلاب اسلامی به ماجرای تسخیر لانه‌ی جاسوسی آمریکا در آبان سال ۵۸ باز گردد. روزگاری که برخی افراد وحشت زده از قدرت پوشالی ایالات متحده خواستار باز پس دادن سفارت به ایالات متحده شدند و در پس این خواسته منافع پایمال شده‌ی ایران توسط ایالات متحده به ویژه پناه دادن به شاه در این کشور را فراموش کردند. درست در آن زمان بود که امام خمینی با ایستادن در مقابل این خط سازش تسخیر لانه‌ی جاسوسی آمریکا را انقلابی بالاتر از انقلاب نام نهاد و تا آخرین لحظه از این اقدام دانشجویمان خط امام دفاع کرد. پس از این واقعه و با آغاز جنگ تحمیلی، بار دیگر سازش‌گران داخلی نظیر «بنی‌صدر» تلاش کردند با در پیش‌گیری خط سازش، سر تسلیم در مقابل رژیم بعثی فرود بیاورند اما این تعامل سازش کارانه نتوانست در مقابل هجوم وحشیانه‌ی این رژیم کارکردی داشته باشد و همین موضوع باعث گردید که ارتش بعثی به نزدیکی شهر اهواز برسد.

دوران دفاع مقدس

در آن زمان در شورای جنگ نیز دو خط سیاسی وجود داشت یک خط سیاسی که معتقد بود ما باید با امریکایی‌ها سازش و این جنگ را از راه تعامل متوقف کنیم. یک خط هم خط مقاومت و در واقع خط امام بود که نظری خلاف گروه اول داشت. در جلسات شورای عالی دفاع آن زمان، مقام معظم رهبری، شهید رجایی (نخست‌وزیر وقت) و شهید چمران این خط را دنبال می‌کردند که بعد از فرار بنی‌صدر، غلبه پیدا کردند، این نشان گر این است که در آن زمان این دوگانه به شکل ملموس و آشکاری خودنمایی می کرده است.

خط سازش اگرچه با برکناری بنی‌صدر از سمت ریاست جمهوری متوقف شد و پس از آن موفقیت‌های فراوانی در جبهه‌ها نصیب رزمندگان اسلام گردید، اما هم‌زمان با فتح خرمشهر و در حالی که دشمن در موضع ضعف قرار گرفته بود، بار دیگر صداهایی در خصوص سازش و پایان جنگ از داخل شنیده شد که زمینه‌ی تضعیف روحیه‌ی رزمندگان در جبهه‌ها را فراهم آورد. ماجرای که اگر اتفاق می‌افتاد به طور قطع باعث احیای توان رزمی عراق و پیشروی مجدد ارتش این کشور در داخل خاک ایران می‌شد. گرچه امام (ره) با هوشیاری کامل، شعار «جنگ جنگ تا رفع کل فتنه» را در دستور کار قرار دادند و همین موضوع بار دیگر سازش‌گران داخلی را از تحقق اهداف خود ناکام گذاشت.

واقعہ میکنونوس

با پایان یافتن جنگ و آغاز دور تازه‌ای از تاریخ نظام جمهوری اسلامی، غرب که از سرنگونی نظام به‌وسیله‌ی جنگ نا امید شده بود، شیوه‌ای تازه در پیش گرفته و کوشید از راه ایراد اتهام‌های واهی بر ضد نظام، اقدام به منزوی کردن کشور در جامعه‌ی جهانی نماید. یکی از نمونه‌های بارز این موضوع در ماجرای «میکنونوس» رخ داد که به‌وسیله‌ی صحنه‌سازی و قتل تعدادی از اپوزیسیون ایرانی مقیم آلمان، کوشیدند این اتهام را به ایران وارد کنند و از این راه شروع به امتیازگیری نمایند.

آن‌ها حتی برای تکمیل این نقشه، سفرای خود را از جمهوری اسلامی خارج کردند. در این میان باز هم برخی سازش‌گران داخلی، فشار خود به نظام را آغاز کردند تا ضمن پذیرش اتهام وارد شده از سوی غرب و عذرخواهی رسمی، زمینه‌ی بازگشت سفرای غربی به تهران را فراهم کنند. موضوعی که بی‌شک خواسته‌ی اصلی غرب به شمار می‌رفت. اما بار دیگر ایستادگی رهبری انقلاب و تدبیر ایشان باعث گردید که این نقشه‌ی غرب نیز خنثی شود و سازش‌گران داخلی هم ناکام بمانند.

رهبر انقلاب در این خصوص با تشریح سیاست خارجی کشور در قبال این واقعه در دیدار جمعی از کارگران و معلمان در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۷۶ فرمودند: «در مرحله‌ی اول، سفیر آلمان را فعلاً تا مدتی نباید راه بدهند که به ایران بیاید. بقیه هم که می‌خواهند به عنوان یک حرکت به اصطلاح آشتی جویانه برگردند، مانعی ندارد. خودشان رفته‌اند، خودشان هم بر می‌گردند. دیدند که رفتنشان هیچ اهمیتی ندارد. این‌ها می‌خواهند برگردند، مانعی ندارد؛ اما در رفتن سفرای ایران به کشورهای آن‌ها، هیچ عجله‌ای نباید بشود.»

و در جایی دیگر اشاره کردند: «[...] این نکته را، هم اروپایی‌ها و هم دیگران بدانند. اروپا خیال نکند که ما به او احتیاج داریم؛ ابدأ. ما به اروپا هیچ احتیاجی نداریم. ما کشور خودمان را می‌توانیم بدون اروپا هم اداره کنیم. حالا فرض کنید، اگر چهار قلم کالای لوکس و تجملاتی از فلان جا می‌آید، نباید؛ چه اهمیتی دارد. آنچه که مورد نیاز ملت ماست، در داخل تولید می‌شود و اگر هم چیزی باشد که ما لازم داشته باشیم، خیلی از کشورها هستند که صف کشیده‌اند تا به ما بفروشند. چه نیازی به این چند دولت کشور اروپایی است که خیال می‌کنند صاحب دنیا هستند؟!»

درست پس از این سخنان بود که تمام سفرایی که با غرور از ایران خارج شده بودند، با سر افکندگی به کشور بازگشتند تا بار دیگر ایستادگی رهبری و مردم باعث فخر و مباهات نظام شود.

پرونده هسته‌ای مرور تاریخی

شاید بعد از این اتفاقات مهم ترین مساله ای که در باب دوگانه سازش و مقاومت پیش روی نظام جمهوری اسلامی قرار گرفته، مساله هسته ای باشد، مساله ای که دنباله آن به میزان حداقل یک دهه تا امروز ادامه داشته و تاکنون به انتهایی نرسیده است، لکن مشاهده و بررسی سیر اتفاقات پیرامون این پرونده، تصمیمات و اقدامات مقامات ایرانی و واکنش و برخورد سایرین در طی این سال ها قطعاً می تواند تجربه خوبی برای مردم و مسئولین آینده باشد تا به خوبی اجزا و پیامدهای هر کدام از این دو رویکرد را متوجه گردند.

شروع وقایع پیرامون پرونده هسته ای ایران با اقدامات منافقین در سال ۱۳۸۱ همراه بود که موجب شد در فضای بین المللی این مساله طرح گردد که ایران در سه مرکز مخفی در حال ساخت سلاح هسته ای است. پس از این اتفاق و در ادامه آن حضور البرادعی در ایران مدتی سروصداها در محافل بین المللی کاهش پیدا کرد و قطعاً آماده شدن آمریکا برای حضور در عراق نیز در این کاهش سروصداها بی نقش نبود. جدی تر شدن پرونده هسته ای ایران به خرداد ۱۳۸۲ بر می گردد که پرونده ایران برای اولین بار در شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی مطرح می شود و در گزارشی که البرادعی به این شورا ارائه می دهد بیان می کند که: «ایران نتوانسته است گزارش دقیقی از مواد هسته ای و فعالیت هایش را ارائه دهد، ولی مقامات ایران گامهای اصلاح کننده ای برداشته اند» در این برهه زمانی فشارها بر ایران برای امضای پروتکل الحاقی افزایش می یابد. چند ماه بعد از این اقدامات، شورای حکام برای اولین بار قطعنامه شدید اللحنی علیه ایران صادر می کند. شورای حکام برای اجرای درخواستهای قطعنامه به ایران ضرب الاجل می دهد. بعد از صدور این قطعنامه سرو صدای زیادی در دنیا به پا می شود و به دنبال آن وضع اقتصادی کشور هم به شدت تحت تاثیر قرار می گیرد.

بر اساس قطعنامه صادر شده آژانس در تاریخ ۲۱ شهریور ۱۳۸۲، ایران مهلت داشت تا پایان ماه اکتبر سال ۲۰۰۳ به تعهدات خود در مورد کنترل برنامه اتمی عمل کند و تمامی نارساییهایی را که آژانس تشخیص داده بود را برطرف سازد. بر اساس این قطعنامه دولت ایران باید تا این تاریخ فهرست تمامی منابع و اجزاء غنی سازی اورانیوم را اعلام کند و به بازرسان آژانس بین المللی انرژی اتمی اجازه ورود به مراکز مورد نظرشان را بدهد. تهران باید منشاء مواد آلوده به اورانیوم را روشن سازد و در مورد دستگاههای گریز از مرکز گازی برای غنی سازی اورانیوم به پرسشها پاسخ دهد؛ در این قطعنامه از کشورهایایی که برای ایران مواد هسته ای تهیه کرده اند، نیز خواسته شده بود تا در این زمینه همکاری لازم را به عمل آورند. این قطعنامه همچنین از ایران می خواست که برخی از برنامه های هسته ای خود را متوقف و پروتکل الحاقی را امضاء نماید. در چنین شرایطی دولتمردان ایران تحت تاثیر فشارهای وارد شده اعلام کردند که در قبال دریافت برخی امتیازات پروتکل را امضا خواهند کرد.

بعد از صدور قطعنامه شورای حکام علیه ایران، ارسال نامه مشترک از سوی آلمان، فرانسه و انگلیس برای ایران در خصوص همکاری بیشتر در زمینه تکنولوژی هسته ای بازتاب گسترده ای داشت. در واقع بعد از اعلام ایران مبنی بر اینکه در قبال امضای پروتکل الحاقی خواهان امتیازاتی می باشد، نامه مشترک از سوی آلمان، فرانسه و انگلیس برای ایران در خصوص همکاریهای بیشتر در زمینه تکنولوژی هسته ای ارسال شده بود، اما مسائل مطرح شده در این نامه بسیار کلی و مبهم بود و مشخص نبود که ایران در صورت پذیرش چه نوع همکاریهایی را دریافت خواهد کرد.

نکته جالب توجه، مقایسه این پیشنهاد و اتفاقات پیش از انقلاب اسلامی است، جایی که امام (ره) بعد از انقلاب از آن پرده برداشته و اعلام می کند که علیرغم قرارداد ایران و غرب مبنی بر ساخت نیروگاه و چرخه سوخت هسته ای ایرانیان فقط تماشاچی کارشناسان غربی هستند و می فرماید: «من آن زمان که در فرانسه بودم از آن اطراف سراغ من مکرر آمدند اینهایی که در نیروهای اتمی کار می کنند، من جمله این که نمی گذارند ما چیز بفهمیم، چندصد نفر آمده اند و می خواهند نیروی اتمی درست کنند برای خودشان می گویند نمی گذارند ما کار یاد بگیریم.»^{۲۷} که نشان می دهد، در ازای کمک های به ظاهر تکنولوژیکی که حتی پیش از انقلاب نیز به ایران و ایرانی می شده، غرب و استکبار جهانی سعی می نموده تا جلوی پیشرفت حقیقی ایرانیان را بگیرد و به نوعی ایران را وام دار و محتاج خود کند تا هر زمان که خواست جلوی فعالیت و پیشرفت ایران را بگیرد.

مقام معظم رهبری نیز در یکی از سخنرانی هایشان گریزی به این مطلب زده اند:

«میگویند آقا روس ها که به شما اورانیوم غنی سازی شده میدهند، سوخت نیروگاه هسته ای میدهند؛ خودتان میخواهید چه کار کنید؟ این از آن حرفهایی است که این آقای رئیس جمهور محترم کم دان آمریکا هم اخیراً بیان فرمودند، که خب روس ها که دارند میدهند، ایران میخواهد چه کار کند! اینجا هم یک عده ای که نه به قدر او محترمند، نه به قدر او کم دانند، همان حرف را تکرار کردند که آقا روس ها که دارند میفروشند. دیدید دیگر؛ محموله ای اول آمد، محموله ای دوم آمد؛ دیگر شما میخواهید چه کار کنید که خودتان غنی سازی کنید؟ این مثل این میماند که به کشوری که ذخائر نفتی زیر زمینش پر است، بگویند آقا چرا چاه میزنی؛ خب برو نفت را بخر از بیرون بیاور! یعنی کشوری که دارای ذخائر نفتی است، بشود واردکننده نفت! چقدر خنده آور است. اگر یک روزی دلشان خواست این سوخت را بدهند، یا گفتند به این قیمت میدهیم، یا گفتند به این شرط میدهیم، ملت ایران ناچار است قبول کند.

بنده آن وقت به مسئولین گفتم که اگر این حرف را گوش کردید، فردا خواهند گفت باید معادن اورانیوم را هم که توی این کشور هست، کلاً یک جا جمع کنید بدهید به ما، تا خاطر جمع شویم که شما نمیخواهید بمب اتم بسازید»^{۲۸}

۲۷ صحیفه امام، ج ۶، ص: ۳۵

۲۸ بیانات در جمع دانشجویان دانشگاه های یزد - ۱۳۸۶/۱۰/۱۳

بیانیه سعدآباد

شاید بتوان بیانیه سعدآباد و حضور وزرای خارجه کشورهای آلمان، فرانسه و انگلیس را یکی از نقاط برجسته در پرونده هسته ای ایران دانست، جایی که پس از ارسال نامه سه کشور اروپایی و ارسال جواب از طرف ایرانی، پس از رایزنی های فراوان این سه وزیر خارجه به ایران سفر کردند و نشست مشترکی بین این سه وزیر و وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران در کاخ سعدآباد برگزار شد، ماحصل این نشست موافقتنامه ای به نام موافقتنامه یا بیانیه سعدآباد بود که طی آن ضمن اینکه حق ایران در دستیابی به انرژی صلح آمیز هسته ای به رسمیت شناخته شده بود یکسری از امتیازات دیگری هم برای ایران در نظر گرفته شده بود که در قبال آن ایران باید پذیرفتن پروتکل الحاقی و تصویب آن در مجلس را دستور کار خود قرار می داد و لذا بعد از تمام اتفاقات پیش آمده ایران نهایتاً در وضعیتی پروتکل را پذیرفت که وزرای سه کشور اروپایی خواسته های خود را در کاخ سعدآباد بر ایران تحمیل کردند.

به هر حال جمهوری اسلامی ایران پس از مذاکرات اعلام کرد که پروتکل الحاقی را پذیرفته و برنامه غنی سازی اورانیوم را به حال تعلیق درآورده است.

در متن بیانیه پایانی آمده است:

به محض اینکه نگرانی های بین المللی، از جمله نگرانی های سه کشور کاملاً برطرف شود، ایران می تواند انتظار داشته باشد که به طور آسان تری به فناوری مدرن و اقلام دیگری در حوزه های مختلف دست یابد.

دکتر حسن روحانی دبیر کل وقت شورای عالی امنیت ملی هم در این باره اعلام کرد که «ایران مصمم است تا برای پایان دادن به تنش فعلی فعالیت های مشروع هسته ای خود را نیز معلق نماید.» هم چنین دکتر روحانی اضافه کردند: «این حرکت داوطلبانه ایران برای ابراز حسن نیت و ایجاد فضای اعتماد جدید بین ایران و کشورهای دیگر بوده است، جمهوری اسلامی ایران برای بدست آوردن فضای جدید اعتماد و نیز توسعه روابط با کشورهای صنعتی و جامعه اروپا، فعالیت های غنی سازی خود را به صورت موقت به حال تعلیق در خواهد آورد.»

مصاحبه جک استراو، وزیر وقت امور خارجه انگلیس پس از این نشست نشان از سرمایه گذاری اشتباه ایران بر روی این سه کشور دارد، جایی که استراو می گوید: «ما به عنوان وزیر امور خارجه کشورهای خود به ایران آمده ایم و مسئول کشور دیگر در اتحادیه اروپا نیستیم.» و این نشان می دهد ایران که به دنبال پیدا کردن حامیان بین المللی برای فعالیت های مسالمت آمیز هسته ای خود بوده، با اشتباهی استراتژیک و تعامل با این سه کشور، نتوانسته حتی اتحادیه اروپا را نیز با این مساله هم سو کند.

نکته مهم درباره وضعیتی که ایران پروتکل الحاقی را امضاء کرد این بود که حتی افرادی که معتقد به درست بودن امضای پروتکل الحاقی بودند نظرشان این بود

که امضای پروتکل تحت چنین شرایطی پرستیژ بین المللی ایران را زیر سوال برد. ایران نه داوطلبانه بلکه با زور و تهدید قطعنامه را پذیرفت، در صورتی که ایران می توانست ابتکار عمل را در دست بگیرد و توپ را در زمین امریکا و اسرائیل بیاندازد. در صورتی که با تعللی که ایران به خرج داد و سپس با پذیرش پروتکل بعد از صدور قطعنامه، نشان داد که زبان زور را بهتر می فهمد و این مساله خود می توانست تعیین کننده استراتژی های بعدی برای تعامل با ایران باشد.

نخست وزیر معزول وقت انگلیس پس از این مذاکرات در جایی اشاره می کند که «ما میوه عراق را در سعدآباد چیدیم.» و برخی دیگر از اعضای تیم مذاکره کنند اروپایی نیز مصاحبه کرده و بیان کردند که «این نقطه شروعی برای توقف همیشگی فعالیت های هسته ای ایران هست» که این نشان می دهد سازش و نرمش جمهوری اسلامی (بخوانید تعامل سازنده و تنش زدا)، نه تنها موجب اعتمادسازی و نزدیک شدن کشورها نشد، بلکه سبب پیشروی طرف اروپایی گردید.

پس از امضای بیانیه تهران بین سه کشور اروپایی و ایران، طرفین امضا کننده این بیانیه در تاریخ ۱۴ اسفند ماه ۱۳۸۲، یعنی چند ماه بعد از امضای بیانیه سعد آباد، در بروکسل مقر اتحادیه اروپا توافق کردند که ایران علاوه بر تعلیق داوطلبانه اورانیوم که در بیانیه تهران بدان متعهد شده است از ساخت قطعات و مونتاژ دستگاههای سانتریفوژ که ابزار اصلی غنی سازی اورانیوم به حساب می آیند نیز دست بردارد. اروپایی ها نیز در مقابل متعهد شدند تا پرونده هسته ای ایران را به طور کامل از از دستور کار آژانس خارج کنند.

بعد از اعتراضات و ابراز نگرانی های ایران پرونده هسته ای وارد فاز جدیدی شد و و این بار اروپا با پیشنهاد جدید تری وارد بازی شد. بالاخره بعد از چند مورد مذاکره توافقنامه پاریس به امضا رسید که علاوه بر موارد ذکر شده طرفین تعهدات جدید را هم پذیرفتند، مثلا ایران تصمیم گرفت که به طور داوطلبانه برنامه تعلیق را گسترش دهد و به طور کلی هر نوع آزمایشاتی که تبدیل اورانیوم را در بر بگیرد به حال تعلیق در بیاورد. در مقابل اروپاییان بیشتر تعهداتی که ناظر به آینده بود را پذیرفتند. از جمله اینکه حقوق ایران بر اساس NPT به رسمیت شناخته شود و و اذعان کردند که اروپا حق ایران را در بهره گیری صلح آمیز از انرژی اتمی و چرخه سوخت هسته ای را به رسمیت شناخت!

اما بر خلاف انتظار بعد از این توافقات کشورهای اروپایی بانی قطعنامه ای شدند که ۵ آذر ۱۳۸۳ به تصویب رسید و صادر شد. و مهمترین نکته آن عبارت «تعلیق پایدار غنی سازی اورانیوم» و تاکید تعلیق غنی سازی به عنوان یک الزام و تعهد از جانب ایران بود و همچنین بحث «نامحدود بودن تعلیق» نیز از مسائل مطرح شده بود که با توافق پاریس کاملا در تضاد بود.

جمهوری اسلامی ایران باز هم برخوردی محتاطانه با این مساله داشت یعنی در واقع سیاست

ایران همچنان ثابت بود و بر مبنای همکاری با آژانس و مذاکره با کشورهای اروپایی قرار داشت اما برای کاستن از فشار اروپا و تعدیل مواضع کشورهای اروپایی تصمیم گرفت تعداد بیست عدد سانتریفوژ را برای انجام امور تحقیقات از تعلیق داوطلبانه خارج سازد.

با این حال این اقدام باعث نگریدید که قطعنامه شورای حکام که متعاقب این مذاکرات صادر شد همه خواسته های جمهوری اسلامی ایران را برآورده سازد.

دولتهای اروپایی همچنین قرار بود پیشنهاد خود را درباره فعالیتهای هسته ای اصفهان در دهم مردادماه ارائه دهند اما نه تنها این کار انجام نشد بلکه توافقنامه پاریس را نقض کرده و از انجام تعهدات خود طفره رفتند و همچنان قصد داشتند که با اتلاف وقت و عدم تقید به وعده هایشان جمهوری اسلامی را از برنامه هایش دور کنند. و حتی حاضر نبودند به خواسته دولت ایران مبنی بر در اختیار قرار دادن تعداد ۲۰ یا ۳۰ دستگاه سانتریفوژ برای ادامه تحقیقات هسته ای تن در دهند. و بعدا که ایران با اطلاع آژانس و حضور نمایندگان آژانس فعالیت های تبدیل اورانیوم در UCF اصفهان را از سر گرفت، سیر ارجاع پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت از سوی غربی ها آغاز شد. در واقع عقب نشینی های مکرر ایران در بحث هسته ای که برای «فرار از بحران آفرینی» انجام می شد، توقعات اروپائیان را در حد بسیار زیادی بالا برده بود و هیچ گونه حقی را در زمینه تصمیم گیری های مستقل برای ایران قائل نبودند و به نوعی خود باعث ایجاد بحران شده بود. لذا ارجاع پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت که با هدف ترساندن ایران آغاز شده بود کم کم شکل جدی تری به خود گرفت.

نظر رهبری درباره عملکرد اصلاحات در موضوع هسته ای

بعدها مقام معظم رهبری در بیاناتشان چند بار به سیر این اتفاقات و نرمش ها و سازش ها اشاراتی داشتند که مرور این بیانات، حقایق این ماجرا را به خوبی آشکار خواهد کرد:

« این فرایند عقب نشینی البته برای ما یک فایده ای داشت - بی فایده نبود این عقب نشینی ها - فایده اش این بود که هم خودمان وعده ها و حرفهای رقبای اروپائی و غربی را تجربه کردیم، هم افکار عمومی دنیا تجربه کرد. امروز هر کس به ما میگوید آقا تعلیق موقت بکنید، ما میگوئیم تعلیق موقت را که یک بار کردیم؛ دو سال! دو سال تعلیق موقت کردیم. فایده اش چه شد؟ اول گفتند موقت تعلیق کنید، گفتند تعلیق داوطلبانه بکنید؛ ما هم به خیال موقت و به خیال داوطلبانه، تعلیق کردیم. بعد هر وقت اسم از برداشتن تعلیق آمد، یک قرشمال بازی ای در سطح دنیا درست کردند - در سطح مطبوعات و رسانه ها و محافل سیاسی - وای، داد، داد، ایران میخواهد تعلیق را بشکند! تعلیق شد یک امر مقدس که ایران اصلاً حق ندارد نزدیکش برود! ما این را تجربه کرده ایم؛ دیگر، تجربه ای جدیدی نیست. آخرش هم گفتند: این تعلیق موقت کافی نیست؛ اصلاً باید بکلی بساط اتمی را جمع کنید. همین اروپائی ها که میگفتند شش ماه تعلیق کنید، وقتی این کار را کردیم، گفتند

بایستی جمع کنید! این فرایند عقب‌نشینی، این فایده را برای ما داشت؛ هم برای خود ما تجربه شد، هم برای افکار عمومی دنیا تجربه شد. لیکن عقب‌نشینی بود دیگر؛ عقب‌نشینی کردند.

من همان وقت هم در جلسه‌ی مسئولین - که از تلویزیون پخش شد - گفتم اگر چنانچه بخواهند به این روند مطالبه‌ی پی‌درپی ادامه بدهند، بنده خودم وارد میدان می‌شوم؛ همین کار را هم کردم. بنده گفتم که بایستی این روند عقب‌نشینی متوقف شود و تبدیل بشود به روند پیشروی، و اولین قدمش هم باید در همان دولتی انجام بگیرد که این عقب‌نشینی در آن دولت انجام گرفته بود؛ و همین کار هم شد. در زمان دولت قبل، اولین قدم به سمت پیشرفت برداشته شد.^{۲۹}

یا در جای دیگر می‌فرماید:

«عقب‌نشینی‌ها آنها را گستاخ‌تر کرد، طلبگار‌تر کرد. یک روزی بود که مسئولین ما قانع بودند که اجازه بدهند ما ۲۵ تاسانتریفیوژدر کشور داشته باشیم؛ آنها گفتند نمیشود! اینها قانع شدند که ۵ تاسانتریفیوژداشته باشیم؛ باز هم گفتند نمیشود! مسئولین ما قانع شدند که ۳ تاسانتریفیوژداشته باشیم؛ باز هم گفتند نمیشود! امروز گزارش را شنیدید، یازده هزارسانتریفیوژداریم! اگر ما آن عقب‌نشینی‌ها را، آن انعطافها را ادامه میدادیم، امروز از پیشرفت هسته‌ای که هیچ خبری نبود»^{۳۰}

۲۹ بیانات در جمع دانشجویان دانشگاه های یزد - ۱۳۸۶/۱۰/۱۳

۳۰ بیانات در دیدار کارگزاران نظام - ۱۳۹۱/۵/۳

جمع بندی عملکرد دولت اصلاحات

به طور کلی پیش از سال ۱۳۸۴، تمام تلاش های دولتمردان دولت اصلاحات و اعضای دبیرخانه شورای امنیت که مسئولیت این پرونده را برعهده داشتند بر این بود که از ارجاع پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت جلوگیری شود، دکتر روحانی، دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی و مسئول وقت پرونده هسته ای، در گزارش عملکرد خود به رئیس جمهور وقت، از این اصل به نام «مهار بحران و دور کردن تهدید از کشور» نام برده است. وی، در این خصوص نوشته است: «هم اظهار موارد قصور و هم عدم اظهار آنها می توانست بهانه ای برای ارجاع پرونده به شورای امنیت گردد. هدف آمریکا، تکرار مصوبات عراق در مورد ایران بود تا بازرسان دسترسی های نامحدود به امکانات، تجهیزات و افراد پیدا کنند و با عدم پذیرش مصوبات شورای امنیت توسط ایران، مراحل بعدی تهدید تا عملیات نظامی در دستور کار قرار گیرد تا نهایتاً آمریکا بتواند نیت اصلی خود را که مقابله با نظام است، پی بگیرد.»

مارک لئونارد، مدیر وقت سیاست خارجی مرکز اصلاح اروپایی، در تحلیل این شرایط و اصلی که مسئولین وقت جمهوری اسلامی برای خود در نظر گرفته بودند و غرب نیز با علم به این مساله بازی خود را طراحی می کرد در گزارشی ۳۲ صفحه ای در سال ۱۳۸۴ می نویسد: «غرب، ایران را با سه حربه مختلف ارجاع پرونده به شورای امنیت، تحریم های اقتصادی و حمله نظامی به مراکز هسته ای می ترساند. عینی ترین تهدید ایران، ارجاع پرونده به شورای امنیت است. این مساله در گذشته تاثیرات قدرتمندی در تصمیم گیری های جمهوری اسلامی ایران داشته است. برای نمونه، یک بار در بهار سال ۲۰۰۴ و همچنین در سال بعد، موجب عقب نشینی تهران از آغاز دوباره برنامه های هسته ای این کشور شد.»

به طور کلی می توان نکات زیر را در رابطه با تعاملات ایران پیش از سال ۸۴ و در دوران اصلاحات بر شمرد:

- اصالت بر تحمل و خویشتن داری، مصالحه و مماشات در تعاملات.
- امید و اعتماد بیش از حد به سه کشور اروپایی (به نظر ورود اروپا و دخالت دادن آنها در این حد و اندازه در پرونده هسته ای از اشتباهات دیگری بود که از ابتدا شکل گرفت و به گونه ای زمینه را برای جسارت های بیشتر آنها و حتی دخالت در امنیت ملی ایران که نمونه آن را در توافقنامه سعدآباد می بینیم شد.)
- دست کشیدن از اصول و حقوق مشروع به بهانه اعتماد سازی در مقابل تعداد معدودی کشور.
- همکاری کامل و مستمر با آژانس و انجام اقدامات داوطلبانه فراتر از الزامات حقوقی موجود.
- تعلیق داوطلبانه تمامی فعالیت های مرتبط با غنی سازی و حتی فراتر از آن برای بیش از دو سال و نیم.
- انجام بیش از ۱۷۰۰ نفر روز بازرسی از تاسیسات و فعالیت های هسته ای.

- امضای پروتکل الحاقی.
- اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی برای بیش از دوسال و نیم.
- اعطای دسترسی کامل و نامحدود به تمامی مواد و تاسیسات هسته ای.
- اعطای دسترسی‌های متعدد تکمیلی بر طبق پروتکل الحاقی که بیشتر موارد با اطلاع قبلی کمتر از دو ساعت انجام می شد.
- ارائه بیش از هزار صفحه اظهارنامه اولیه طبق پروتکل الحاقی و روزآمد کردن آن‌ها.
- تعیین خط قرمزی به نام شورای امنیت برای جمهوری اسلامی.

کارنامه عملکرد دولت نهم در موضوع هسته ای

بعد از این اتفاقات و در آغاز دولت نهم، سیر پرونده هسته ای ایران رنگ و بوی دیگری به خود گرفت، ابتدای دوره ریاست جمهوری دکتر احمدی نژاد در حالی آغاز شد که بحث کشیده شدن پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت قطعی شده بود و منشا آن هم اعلام تصمیم از سر گیری فعالیت‌های تبدیل اورانیوم در UCF اصفهان بود که از قبل هم قابل پیش بینی بود ولی گویا هیچ گونه تصمیم مستقلی از سوی ایران برای غربی‌ها قابل پذیرش نبود.

همین ایام دولت جدید هم کلیات آیین نامه چگونگی مشارکت کشورهای خارجی در برنامه هسته ای را به تصویب رساند (این همان طرحی بود که آقای احمدی نژاد در ابتدای دوره ریاست جمهوری به عنوان یک طرح راهگشا از آن یاد کرده بود که بر طبق آن کشورهای خارجی در فرآیند تولید سوخت هسته ای ایران مشارکت کنند تا بدین وسیله مشکلات ناشی از بی اعتمادی هم از میان برداشته شود. البته این دولت‌ها بایستی دولت‌های دوست می بودند)

ایران در این دوران مقاومت خوبی از خود نشان داد. و البته نکته مشخص در این دوران این بود که ایران دیگر منتظر عمل غربی‌ها نمی ماند تا از خود عکس العمل نشان دهد و غالباً این اقدامات ایران بود که با عکس‌العمل‌های غربی‌ها مواجه می شد و به اصطلاح سیاسی دیپلماسی ایران از حالت انفعالی به حالت فعال تغییر جهت داد و این یک نکته بسیار مثبت برای ایران در پی داشت و آن هم این بود که دیگر علی‌رغم مشکلات متعدد توپ بازی در زمین ایران نبود.

آنچه که از قبل هم مشخص بود ارجاع پرونده هسته ایران به شورای امنیت بود و تلاش دولت نهم هم بر این قرار گرفته بود تا بتواند با دیپلماسی فعال از میزان تبعات منفی این مساله بکاهد و ضمن اینکه دولت معتقد بود هرچند نباید مساله هسته ای به اینجا کشیده می شد - که متأسفانه بر اثر گام‌های رو به عقب ایران و حرکت رو به جلوی غربی‌ها و افزایش توقعات آنها این مساله اتفاق افتاده بود - ولی رفتن پرونده به شورای امنیت پایان کار نخواهد بود. نهایتاً هم پس از کش و قوس‌های فراوان در ۱۷ اسفند ۱۳۸۴ سیر ارجاع پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت آغاز شد در واقع ارجاع پرونده ایران به دنبال آنبیانیه ای غیر الزام آور از سوی شورای

امنیت سازمان ملل در مورد ایران صادر شد. این شورا از تهران خواست همه فعالیت های اتمی خود را در مدت ۳۰ روز به حالت تعلیق در آورد و پس از آن به هنگام اتمام مهلت ایران دیپلماتهای اروپایی از پیش نویس قطعنامه ای که نرمش مناسبی دارد خبر دادند که البته در آن مهلتی به ایران داده می شود و در صورت عدم همکاری ایران تحریمهایی اعمال خواهد شد هر چند که نوع این تحریمها مشخص نشد.

در واقع این بار جمهوری اسلامی بعد از چرخش هایی که در سیاست خارجی خود در طول این مدت داشت در سه سیاست عمده خود تغییر جهت داد. این سه سیاست عبارت بودند از:

- تعلیق اجرای پروتکل الحاقی

- تعلیق همکاری های داوطلبانه با آژانس بین المللی انرژی اتمی

- نکته سوم و بسیار مهم به صحنه کشاندن ملت برای احقاق حقوق هسته ای خود و استفاده از این پشتوانه عظیم مردمی به جای اتکال به اروپا.

و سیاست خارجی ایران در این دوره سه رکن اساسی پیدا کرد:

۱- تعامل فعالانه با نظام بین الملل و پرهیز از انزوا و انفعال

۲- مقاومت بدون اغماض در مورد احقاق حقوق هسته ای

۳- اتکال و اعتماد به پشتوانه نیروی مردمی به جای اعتماد بیهوده به اروپا

برعکس انتظار بسیاری از افراد که ارجاع پرونده ایران را به معنای پایان کار می دانستند و نگرانی بسیار زیادی از این بابت داشتند، وضعیت ایران بعد از ارجاع پرونده به شورای امنیت نسبت به قبل از آن تفاوت چندانی نداشت و تنها تفاوت در آنجا بود که این بار دولت نهم که این میوه به دستش رسیده بود به جای وادادن و کوتاه آمدن در مقابل فشارها دیپلماسی مقاومت تا احقاق حقوق را در کنار بازگذاشتن باب مذاکرات در پیش گرفت. و اگر تهدید به خروج از NPT را که هنوز عملی نشده است کنار بگذاریم باز هم متوجه می شویم که چندان ساختار شکنی در این زمینه صورت نگرفته است.

اما ایران به سیاستهای زیر همچنان پایبند بود:

۱- پایبندی به معاهده NPT و ادعای برخورداری از حقوق خود بر اساس این معاهده

۲- انجام مذاکرات و تداوم آن

۳- تلاش برای اعتماد سازی در بین سایر کشورها درباره صلح آمیز بودن برنامه های هسته ای

هم اکنون جمهوری اسلامی ایران با افتخار اعلام می دارد که کشوری که در اوائل سال ۱۳۸۴ به داشتن تنها چند دستگاه ساترفیوژ برای تحقیقات هسته ای رضایت داده بود و حتی در این زمینه هم نتوانست اروپائیان را قانع سازد، جزء کشورهای کلوب هسته ای می باشد و سالانه جشن هسته ای را برپا می کند بدون اینکه دیگر نگرانی

از باب حمله و تهدیدها و تحریم‌های بی‌اثر زورگویان بین‌المللی داشته باشد.

جمع بندی

به طور کلی برخی مبانی و شاخص‌های دیپلماسی این دوره را میتوان به شرح زیر برشمرد:

- شجاعت و صراحت در بیان مواضع اصولی: اصل تاکید بر اصول و بیان آن‌ها و این که در اصول نمی‌توان کوتاه آمد و اگر بناسست‌سازی هم صورت بگیرد در اصول و حقوق اساسی ملت در زمینه هسته‌ای نباید باشد، یکی از برنامه‌های محوری دور جدید سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی می‌باشد.

- مردم محوری به جای توجه به غرب در حل بحران هسته‌ای: تاکید به پشتوانه و نقش مردم، که یکی از اصول اساسی انقلاب اسلامی است باعث شد پیشرفت‌های عظیمی در باب انرژی هسته‌ای صورت بگیرد.

- ایستادگی در برابر فشار و تهدید و تغییر خط قرمز شورای امنیت: همانطور که بیان شد سابقاً شورای امنیت و ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به این شورا یکی از خطوط قرمز ایران تعریف شده بود اما با زیر سوال بردن نقش حقیقی این شورا و این که این شورا نه تنها بازپچه دست ابرقدرت‌هاست بلکه قطعنامه‌های آن هم اثرات واقعی و بلندمدت نمی‌تواند بگذارد و جلوی پیشرفت حقیقی کشورهایی را که قصد پیشرفت دارند نمی‌گیرد، زمینه‌سازی حذف شورای امنیت به عنوان خط قرمز تعاملات بین‌المللی جمهوری اسلامی پدید آمد، مقام معظم رهبری در بیانات خودشان در آغازین روز سال ۱۳۸۵، اشاره‌ای به این مساله دارند و می‌فرمایند: «حالا، تهدید شورای امنیت کردند، انگار شورای امنیت آخر دنیاست. ما هم شورای امنیت چشیده هستیم. در جنگ تحمیلی، آن روزی که عراقی‌ها چند هزار کیلومتر خاک ما را زیر پا داشتند، همین شورای امنیت قطعنامه صادر کرد که بایستی جنگ را تمام کنید، دفاع و مقاومت نکنید، ما هم چون برخلاف مصالح کشورمان بود، قبول نکردیم. هر وقت برخلاف مصالح کشور باشد، قبول نمی‌کنیم. ملت ما ایستاده است. جوانان ما ایستاده‌اند، خوشبختانه مسئولین ما با نشاط ایستاده‌اند»

- یکی دیگر از ویژگی‌های دور جدید فعالیت هسته‌ای ایران که شاید بهتر است از آن به عنوان دوران «مقاومت هسته‌ای» نام برد، عدم محدود کردن مذاکرات به سه کشور اروپایی است، در این راستا نه تنها مذاکرات از حالت مذاکره با سه کشور انگلیس، فرانسه و آلمان تبدیل به مذاکره با ۱+۵ تبدیل شد و ظرفیت کشورهای چین و روسیه نیز به عنوان مخالفین غرب به پای میز مذاکرات هسته‌ای ایران باز شد بلکه با فعال کردن ظرفیت‌هایی مانند جنبش عدم تعهد، تلاش‌های چند کشور برای ایجاد اجماع علیه برنامه هسته‌ای ایران با شکست مواجه شد.

- پیگیری جدی استقلال و خودکفایی در تولید سوخت هسته‌ای

- یکی دیگر از ابتکارات به چالش کشاندن حسن نیت قدرت‌های بزرگ در حوزه خلع سلاح هسته‌ای فراگیر بود.

دولت دهم و بیانیه ی تهران^{۳۱}

اردیبهشت سال ۸۸ ایران در نامه‌ای به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، رو به پایان بودن سوخت راکتور تحقیقاتی فعال تهران که تحت نظر آژانس بود را به اطلاع می‌رساند و از دیده‌بان اتمی سازمان ملل خواسته بود به وظیفه قانونی خود برای تأمین سوخت این راکتور عمل کند.

راکتور تحقیقاتی تهران، مرکزی برای تولید رادیو داروهای مبتلایان به سرطان است، با توجه به نیازهای روزافزون بیماران کشور از جمله ۸۵۰ هزار فرد مبتلا به سرطان و طول مدت محدود پایداری رادیو داروهای تولید شده، تأمین سوخت ۲۰ درصد برای ادامه کار این راکتور یک امر مهم برای مسئولان کشور به حساب می‌آمد.

به دنبال درخواست ایران، آژانس اتمی از میان اعضای خود تنها امریکا و روسیه را از این موضوع مطلع کردند و این دو کشور تولیدکننده سوخت هسته‌ای نیز پیشنهاد دادند که در ازای گرفتن هزار و ۲۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده در سطح ۳/۵ درصد، سوخت ۲۰ درصدی راکتور تهران را تأمین خواهند کرد.

البته شرایط این مبادله نیز که ۵ ماه بعد تبدیل به پیش نویس شد عجیب و غیر منطقی بود. چرا که در این پیشنهاد امریکا و روسیه، عدم تناسب اورانیوم دریافتی با تحویلی به چشم می‌خورد. در شرایط ایده‌آل تولید ۱۱۶ کیلوگرم اورانیوم ۱۹/۷۵ درصد تنها نیاز به حدود ۸۰۰ کیلوگرم اورانیوم ۳/۵ درصد دارد بنابراین دریافت حدود ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم اضافه ۳/۵ درصد از ایران بی‌دلیل است. اشکال دوم، مدت زمان تبدیل اورانیوم به میله سوخت است که این فرایند حداکثر بین دو تا سه ماه (با توجه به انتقال از روسیه به فرانسه جهت کار گذاشتن در میله‌های سوخت) قابل انجام است و قید زمان ۱۵ ماهه برای این اقدام بی‌معنا بود، علاوه بر آن که به دلیل سوابق متعدد غرب در نقض تعهدات، هرگونه تضمین کتبی برای این معامله فاقد اعتبار بوده و نمی‌توانست رفع کننده نگرانی‌های ایران باشد.

کشورهای غربی به خوبی می‌دانستند که ایران به سوخت ۲۰ درصد نیاز مبرم دارد و به گمان خود در نهایت به این خواسته تن می‌دهد.

زمان به ضرر ایران در حال گذر بود. در اردیبهشت ماه سال ۸۹، یعنی یک سال بعد از درخواست ایران برای تأمین سوخت ۲۰ درصد، اجلاس جی ۱۵ در تهران برگزار شد. در حاشیه این اجلاس، بیانیه تهران در خصوص تبادل هسته‌ای ایران و غرب در کشور ترکیه میان سه کشور ایران، برزیل و ترکیه به امضا رسید.

هرچند بیانیه تهران دارای ده بند بود ولی مضمون بیانیه این بود که ترکیه که آن روزها روابط بهتری با ایران داشت، برای محل نگهداری سوخت ۲۰ درصد جایگزین روسیه شود. طبیعی بود این بیانیه به کام روسیه شیرین نیاید اما غیرطبیعی، زدن زیر میز توسط آمریکا بود. چرا که مقامات ترکیه و برزیل با موافقت آمریکا برای امضای این بیانیه، پای در تهران گذاشته بودند.

حتی یک ماه بعد از امضای بیانیه تهران نامه ای از رئیس جمهور آمریکا به همتای برزیلی خود منتشر شد که در این نامه که زمان آن به قبل از امضای بیانیه تهران بر می گشت او با صراحت از داسیلوا خواسته بود تا توافقنامه ای با ایران را درباره تبادل سوخت هسته ای که آمریکا در ماه اکتبر سال گذشته موفق به پیگیری آن نشده بود، این بار برزیل پیگیری کند. او با در این نامه تأکید کرده بود که موفقیت در امضای این توافق با تهران در جامعه بین المللی اعتمادسازی خواهد کرد و تنش های اخیر درباره برنامه هسته ای ایران را رفع می کند. اما در اقدامی که که حتی تعجب مقامات ترک و برزیلی را به همراه داشت، **واشنگتن بلافاصله پس از امضای این بیانیه سه جانبه، قطعنامه تحریم های شدیدتر علیه ایران را به شورای امنیت سازمان ملل فرستاد.**

روسیه که پیش از امضای بیانیه تهران با تصویب قطعنامه جدید علیه ایران در شورای امنیت مخالف بود، پس از امضای این بیانیه که به معنای کنار گذاشته شدن این کشور از مبادله سوخت هسته ای بود، در قبال گرفتن امتیازاتی از آمریکا، با این قطعنامه موافقت کرد، تا «سوء نیت آمریکا» در مواجهه با ایران بار دیگر تکرار شود.

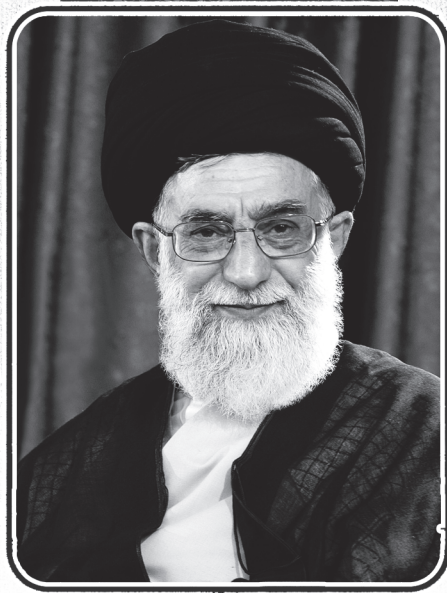
۵+۱ که پس از تصویب این قطعنامه انتظار داشت راهبرد «فشار و گفتگو» نتیجه بخش باشد و ایران به خواسته مبادله سوخت در روسیه تن دهد، رفتار دیگری را از سوی ایران مشاهده کرد. ایران اعلام کرد که از اواخر سال ۸۸، تلاش خود را برای تولید سوخت ۲۰ درصد آغاز کرده و در صورت عدم واگذاری سوخت مورد نیاز راکتور تهران خود این سوخت را تولید خواهد کرد. تولید سوخت ۲۰ درصد در ایران علاوه بر اینکه قدرت ایران را در گفتگوهای هسته ای به شکل چشمگیری افزایش داد، یک موضوع دیگری را نیز برای چندمین بار ثابت کرد و آن سوء نیت مقامات آمریکایی در مواجهه با موضوع هسته ای ایران بود.

دروغ بزرگ آمریکا به ترکیه و برزیل و برنامه ریزی مقامات آمریکایی برای همراه کردن روسیه با خود در تصویب قطعنامه علیه ایران پس از امضای بیانیه تهران، نشان داد این کشور در پیشنهادهای به ظاهر همراه با حسن نیت همچون پیشنهاد توافق تهران، به دنبال توافق با ایران نبوده بلکه به دنبال باز شدن مسیری برای ضربه زدن بیشتر به ایران است، موضوعی که با سر باز زدن آمریکا از تمکین به توافقنامه تهران از یک سو و همراه کردن روسیه و چین به این بهانه برای تصویب قطعنامه شورای امنیت علیه ایران از سوی دیگر به نمایش گذاشته شد.

رهبر معظم انقلاب در بخشی از فرمایشات خود در ابتدای سال ۹۲ با اشاره به این ماجرای

موافقت ایران با نشست ترکیه و برزیل فرمودند: « این غنی‌سازی بیست درصد، همان چیزی است که در سال ۸۹ آمریکائی‌ها و دیگران برای تولید آن شرط گذاشتند. ما می باید برای مرکز اتمی آزمایشگاهی تهران که مال رادیوداروهاست، اورانیوم غنی‌شده‌ی بیست درصد تهیه می کردیم؛ چون سوخت بیست درصدمان تمام شده بود. آنها برای این کار شرط گذاشتند و گفتند باید اورانیومی را که تولید کرده‌اید، خارج بفرستید؛ اما ما قبول نکردیم. آمریکائی‌ها دولت برزیل و دولت ترکیه را واسطه کردند که با ما صحبت کنند، میانه را بگیرند؛ چیزی مورد توافق به وجود بیاید. ما قبول کردیم. مسئولین ترکیه، مسئولین برزیل به اینجا آمدند و با رئیس‌جمهور ما نشستند بحث کردند، صحبت کردند و یک نوشته‌ای را امضاء کردند. بعد که این توافقنامه امضاء شد، آمریکائی‌ها زدند زیر قولشان! آنها نمیخواستند این قرارداد امضاء بشود؛ میخواستند امتیاز زیادی بگیرند، زورگوئی کنند، باج بگیرند. به خاطر بدقولی‌ای که آمریکائی‌ها کردند، دولت برزیل و دولت ترکیه پیش ما شرمنده شدند. ماجرای این بیست درصد این است.»

ایشان با بیان این که دانشمندان ما، قبل از آنکه کار به نقطه‌ی فشار و حساس برسد، توانستند سوخت غنی‌شده‌ی بیست درصد را تهیه کنند، فرمودند: «مخالفین ما حدس هم نمی‌زدند که ما بتوانیم این کار را انجام دهیم؛ اما مسئولین کشور بوقت متوجه این نیاز شدند، دست به کار شدند؛ استعداد ایرانی شکوفا شد، بروز کرد و این کار را با موفقیت انجام دادیم. آنها در حالی که انتظار داشتند جمهوری اسلامی ملت‌سازانه از آنها سوخت بیست‌درصد را درخواست کند، جمهوری اسلامی اعلام کرد که ما سوخت بیست‌درصد را در داخل تهیه کردیم و احتیاجی به شما نداریم.»^{۳۲}



«مسیر تاریخ دنیا تغییر پیدا خواهد کرد؛ مسیر تاریخ عوض خواهد شد. امروز مسیر تاریخ، مسیر ظلم است؛ مسیر سلطه‌گری و سلطه‌پذیری است؛ یک عده در دنیا سلطه‌گرند، یک عده در دنیا سلطه‌پذیرند. اگر حرف شما ملت ایران پیش رفت، اگر شما توانستید پیروز شوید، به آن نقطه‌ی موعود برسید، آن وقت مسیر تاریخ عوض خواهد شد؛ زمینه‌ی ظهور ولی‌امر و ولی‌عصر (ارواحنا له الفداء) آماده خواهد شد؛ دنیا وارد یک مرحله‌ی جدیدی خواهد شد. این بسته به عزم امروز من و شماست، این بسته به معرفت امروز من و شماست.»



بسج دانشجویی دانشگاه شریف

Eamil:bsut@chmail.ir

تلفن تماس: ۰۲۱۶۶۰۲۲۷۱۰